

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شرکت ذخیره شاهد

مفاهیم کاربردی بورس

(با تأکید بر سهام شاهد)

تیرماه ۸۷

فهرست

صفحه	عنوان
۳	• منظور از سرمایه گذاری چیست؟
۳	• نقش بازار سرمایه
۴	• تحلیل بنیادی
۵	• بازدهی
۵	• ریسک
۸	• سود سهام
۱۰	• مفهوم P/E
۱۱	• مفهوم NAV
۱۱	• سهامداران بورس
۱۲	• شاخصهای بورس
۱۲	• ارزش اسمی و معاملاتی سهام
۱۲	• افزایش سرمایه
۱۴	• روشهای پرداخت سود
۱۵	• سهام شناور
۱۵	• بازارگردانی
۱۶	• حجم مبنا و درصد نوسان قیمت
۱۶	• تنوع بخشی یا پرتفولیو
۱۷	• میانگین کردن قیمت
۱۸	• مدت سرمایه گذاری
۱۸	• روند قیمت سهام
۱۹	• دلایل بسته شدن نماد شرکت ها در بورس
۱۹	• عملکرد و بازدهی شرکت شاهد در یک نگاه

منظور از سرمایه گذاری چیست ؟

منظور از سرمایه گذاری انباشت سرمایه نیست ، بلکه به تاخیر انداختن مصرف ، بمنظور مصرف بیشتر در آینده است. بعنوان مثال ۳ میلیون تومان پول دارید و می توانید با آن یک پیکان کهنه بخرید ولی سرمایه گذاری می کنید و یک ماشین نو می خرید.

نقش بازار سرمایه

همواره غالب اشخاص برای خود پس اندازهای دارند که به مرور به آن می افزایند ولی بدلیل آنکه اولاً به مرور جمع می شود وثانیاً کل این پس انداز به میزانی نیست که بتوانند فعالیت اقتصادی با بازدهی مناسب داشته باشند ، بدنبال شریک هستند. از طرف دیگر ، دولت ها و کشورها وحتى بنگاه های خصوصی برای آنکه بتوانند فعالیت اقتصادی مهم انجام دهند، بدنبال شریک می گردند که با افزوده شدن سرمایه آن بتوانند کار اقتصادی بزرگی را انجام داده و نفع بیشتری را عاید خود و کشور نمایند. در واقع این اشتراک منافع است که سرانجام منجر به ایجاد شرکت های سهامی و صدور اوراق قرضه و ... می گردد و بدین ترتیب اشخاص حقیقی با خرید تعدادی از سهام یک شرکت یا خرید اوراق قرضه در یک فعالیت اقتصادی بزرگ و مهم شرکت می کنند و درمقابل نیز شرکت ها سرمایه های لازم برای سرمایه گذاری های خود و افزایش سوددهی را بدست می آورند. بعبارت دیگر بازار سرمایه زیربنای فعالیت های تجاری ، صنعتی ، دولتی و خصوصی است بدین نحو که وجوه را از بخش های مازاد جمع آوری می کند و آن را به سمت کسانی که نیازمند تأمین مالی هستند ، هدایت می کند. بازار سرمایه به مثابه پل ارتباطی بین پس انداز کنندگان انفرادی و نهادی و سرمایه گذاران نیازمند وجوه است. در صورتی که سازوکارهای بازار سرمایه به صورت کارا تدوین شود ، نه تنها وجوه سرگردان مردم به سرمایه گذاری های مولد تبدیل می گردد و رشد اقتصادی کشور فراهم می شود، بلکه موجب تخصیص بهینه وجوه و کسب بازدهی مناسب می شود.

درحال حاضر ، بازار سرمایه نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشورها خصوصاً کشورهای توسعه یافته بازی می کند و نقش آن تا آنجا گسترش یافته که امروزه در دنیا ، بازارهای سرمایه کشورها با یکدیگر ترکیب می شوند و بازارهای سرمایه بین المللی را تشکیل می دهند. از این رو نه تنها فرآیند رشد اقتصادی کشورها تسریع و تسهیل می گردد، بلکه با جهانی شدن سرمایه ، تخصیص بهینه سرمایه بین المللی نیز در حال انجام است.

با این وصف ، می توان گفت که بازار سرمایه دارای عملکردهای زیر است :

- ۱- نیازهای سرمایه ای شرکت ها و نهادها را تأمین می نماید.
- ۲- به نهادهای مالی امکان می دهد تا از وجوه خود در دوره های بلند مدت استفاده سودآور کنند.
- ۳- موجب امنیت دارایی های مالی می گردد.
- ۴- با هدایت پس اندازهای مردم به سمت سرمایه گذاری های مولد ضمن کمک به افزایش تولید کالا و خدمات و تعادل عرضه و تقاضای وجوه ، موجب جلوگیری از افزایش نرخ تورم می گردد.
- ۵- تأمین مالی پروژه های و طرح های سود آور را تسهیل می نماید.

۶- باعث شفافیت ارائه اطلاعات و اطلاع رسانی اثربخش می گردد.

۷- با فراهم کردن زمینه استقرار بلند مدت برای دولت باعث تامین مالی طرح های توسعه ای در بخش عمومی می گردد.

تحلیل بنیادی

بمنظور کشف قیمت و ارزش واقعی سهم یک شرکت، می بایست همزمان سه عامل بنیادین یعنی وضعیت اقتصاد کشور، وضعیت صنعت خاصی که موضوع فعالیت آن شرکت است و وضعیت اقتصادی و مالی آن شرکت خاص را مورد تحلیل و بررسی قرارداد که به این مسأله تحلیل بنیادین می گویند.

برای مثال، اگر بخواهیم سهام شاهد را از نظر بنیادین مورد بررسی اجمالی قرار دهیم، مختصراً باید بگوئیم که هم اکنون وضعیت اقتصاد کشور در حال تحول و رو به رشد بوده و نسبت به تهدیدات سیاسی نیز حساسیت خود را از دست داده است. لذا در وضعیت نسبتاً مطلوب قرارداریم.

از جهت نوع صنعتی که شرکت در آن قرارداد نیز باید بگوئیم وضعیت مسکن وزمین در دو سال اخیر به شدت رشد داشته و با توجه به آزاد سازی سیمان و حمایت دولت از این صنعت (بخشی از پرتفوی شرکت شاهد را سهام شرکتهای سیمانی تشکیل می دهد)، از نظر صنعت سهام شاهد وضعیت مناسبی دارد. وضعیت اقتصادی خود شرکت نیز با توجه به مصاحبه های مدیرعامل شرکت که قیمت سهام شاهد را با توجه به دارائی ها ۶۰۰۰ ریال اعلام نموده اند مطلوب بوده و با ارزش واقعی آن فاصله زیادی دارد.

سؤالی که اینجا مطرح می شود این است که، با توجه به مثبت بودن تمامی موارد فوق، دلیل فاصله قیمت سهام شاهد با قیمت واقعی آن چیست؟ پاسخ واضح است. تا چند ماه قبل وضعیت اقتصادی بورس مناسب نبود و صاحب نظران نسبت به وضعیت اقتصادی کشور نگاه مثبتی نداشتند، ولی چند ماهی است که برخی نگرانی ها برطرف و بعضی سئوالات پاسخ داده شده است. لذا با کوچکترین بهانه، بعد از چند سال رونقی در بورس ایجاد شده است که می توان گفت که تنها بهانه و ترمز پیشرفت قیمت سهام شاهد با کامل شدن تمامی این پارامترها حرکت قیمت سهام شاهد آن برای رسیدن به قیمت واقعی آن مورد انتظار است، رسیدن به قیمت واقعی، در دراز مدت و در صورت بقاء تمامی شرایط سه گانه مذکور محقق میگردد.

بازدهی

مفهوم بازده با سود متفاوت است. بازده شامل مجموعه منافع حاصله از سرمایه گذاری است. ولی منظور از سود، منفعتی خاص است. با این توصیف، دارایی های مالی را به یک بازده و دو بازده تقسیم می کنند. بعنوان مثال طلا یک بازده است یعنی در زمان فروش اگر قیمت آن بالا رفت بازده بالا رفته و اگر پایین آمد ضرر کرده ایم. ولی سهام یا خانه اینطور نیست غیر از قیمت خود سهام یا خانه، سود یا اجاره ای نیز به آن تعلق می گیرد و مجموع آنهاست که بازده را مشخص می کند.

بعنوان مثال، اگر سهام شرکت شاهد را در تاریخ ۸۶/۳/۳۱ مبلغ ۲۵۶۵ ریال خریداری کرده باشیم و در تاریخ ۸۷/۳/۳۱ مبلغ ۳۲۸۰ ریال بفروشیم و ۲۵۰ ریال نیز سود هر سهم را دریافت کنیم. نرخ بازده یکساله ما چقدر است؟

درصد بازده سالانه $3.8\% = 100 * 2565 / 965$ ریال بازدهی یکساله $965 = 250 + (2565 - 3280)$

حال اگر در تاریخ ۸۶/۹/۳۰ سهام شاهد را با قیمت ۲۱۴۷ ریال خریداری و در تاریخ ۸۷/۳/۳۱ به مبلغ ۳۲۸۰ ریال فروخته باشیم، نرخ بازده شش ماهه ما چقدر است؟ (بدلیل عدم پرداخت سود در این مدت به سود اشاره ای نشده است)

نرخ بازده شش ماهه $53 = 1133 / 2147$ ریال بازدهی شش ماهه $1133 = 2147 - 3280$

اما باید همواره به این نکته توجه داشت که برای مشخص نمودن بازدهی یک سرمایه گذاری باید به تمام مسائل پیرامونی و حواشی آن سرمایه گذاری توجه نمود و نباید صرفاً متوجه سود بود. بعنوان مثال اگر نرخ تورم ۳۰٪ باشد، ۱۸٪ سود بانکی ضرر است. یا وقتی که سود اوراق مشارکت ۱۵٪ است بازده ۱۰٪ سالانه طلا به هیچ وجه منطقی و مناسب نیست. (طلا برای اشخاصی که صبح می خرند و بعد از ظهر می فروشند سود آور است ولی برای سرمایه گذاری بلند مدت سود آور نیست)

ریسک

الف - مفهوم ریسک

همواره در یک سرمایه گذاری در مقابل مفهوم بازده، مفهوم ریسک (خطرات تهدید کننده آن سرمایه گذاری) نیز قرار داشته و به همان میزان به آن هم توجه می شود. مثلاً نرخ بهره در بازار ۳۰٪ و در اوراق مشارکت ۱۵٪ است ولی خیلی اشخاص سرمایه گذاری در اوراق مشارکت را بدلیل ریسک صفر آنرا، به سپردن سرمایه خود به یک بازاری که ۳۰٪ سود می دهد، بدلیل ریسک بالای آن و احتمال زیاد از دست دادن تمام سرمایه، ترجیح می دهند.

اگر بخواهیم تعریفی جامع از ریسک ارائه بدهیم باید بگوئیم، ریسک عبارت است از: تغییر بازده مورد انتظار. یعنی آن بازدهی که پیش بینی می کردیم، چقدر احتمال تحقق آن در آینده وجود دارد.

نتیجه ای که از این تعریف می گیریم این است که:

الف - احتمال اینکه بازده واقعی متفاوت از بازده مورد انتظار باشد وجود دارد یعنی ما پیش بینی می کنیم که بازده مورد انتظار ۳۰٪ باشد، ریسک ما هم $30\% +$ یا $-$ خواهد بود.

ب - احتمال از دست دادن تمام یا بخشی از سرمایه اولیه وجود دارد.

ب - ارتباط متقابل ریسک و بازده

ریسک و بازده رابطه مستقیم با یکدیگر دارند یعنی هر چه سطح ریسک بالاتر باشد، احتمال بازده نیز بالاتر خواهد بود و هر چه سطح ریسک پایین تر باشد، احتمال کسب بازده نیز پایین تر خواهد بود. (مثال بالا کاملاً موید این سؤاله است)

بطور کل انسانها ریسک گریزند و می خواهند با کمترین ریسک بیشترین بازدهی را داشته باشند و هیچ کس نیست که ریسک بالاتری را بپذیرد و بازده کمتری بگیرد. بعبارت دیگر، بین میزان ریسک و بازده که بدنبال آن هستیم باید ارتباط منطقی وجود داشته باشد.

بعنوان مثال ، اگر هزار تومان از جیبان بیفتد، به آن طرف خیابان می رویم و آن را بر می داریم. چرا که احتمال تصادف ما خیلی کم است. ولی اگر دو هزار تومان ما آن طرف یک بزرگراه افتاده، باشد هیچ وقت خطر عبور از بزرگراه را نمی پذیریم و از آن منصرف می شویم.

در تمام کشورها بازده بدون ریسک نیز وجود دارد ولی اگر بازدهی بیشتری (بازدهی بیشتر از بدون ریسک) را بخواهیم باید به همان میزان ریسک کنیم و انحراف معیار را بالا ببریم. بعنوان مثال در ایران اوراق مشارکت هیچ ریسکی ندارد ولی اگر کسی بیش از اوراق مشارکت، یعنی بیش از ۱۵٪ بخواهد، باید برای هر درصد بالاتر ریسک کند و اگر شخصی برای دریافت بازده ۱۵٪ یا کمتر از آن در بورس یا بخش های دیگر اقتصادی ریسک دار سرمایه گذاری کند، باید به آن شک کرد. زیرا هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد که ما برای بازدهی که بدون ریسک می توانیم بدست آوریم ، بدنبال راه ریسک دار آن برویم. لذا اگر بورس ۲۰٪ بازدهی داشته باشد (شاخص بورس نشان دهنده بازده بازار بورس است) ، نرخ ریسک کل بورس و خرید سهام یک شرکت همگرا با شاخص بورس نیز باید ۵٪ باشد. چرا که ۱۵٪ سود بدون ریسک است که برای مابقی سود مورد درخواست باید به همان میزان ریسک نمود.

برای مشخص نمودن نرخ بازده مورد انتظار از سرمایه گذاری فرمول زیر استفاده می شود:

صرف ریسک + نرخ بازده بدون ریسک = نرخ بازده مورد انتظار سرمایه گذاری

ج- ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک

بطور کل ریسک را به دوی بخش سیستماتیک و غیر سیستماتیک تقسیم می کنند.

ریسک سیستماتیک: عبارت است از ریسک سهم خاص با توجه به اوضاع و احوال خاص آن سهم

ریسک غیر سیستماتیک: عبارت است از ریسک کل بازار سهام که تابعی از مسائل سیاسی و اقتصادی حاکم بر کشور است که به جهت تأثیر گذاری بر سهم مورد نظر همواره به آن باید توجه داشته باشیم که از آن تحت عنوان B یاد می کنند.

ما می توانیم ریسک سیستماتیک را با تنوع بخشی در سهام خود (پرتفولیو) صفر کنیم. یعنی با خرید چند سهم کاملاً متفاوت و تنوع بخشی در پرتفوی خود ، سهم را با بازار هماهنگی کرده و از تحت تاثیر مسائل خاص یک سهم قرار گرفتن سرمایه خود جلوگیری نمائیم. اما ریسک غیر سیستماتیک غیر قابل حذف است.

معمولاً با خرید تا ۹ سهم مختلف، ریسک غیر سیستماتیک روند نزولی پیدا می کند و بیشتر از آن تاثیر چندانی ندارد. البته همه چیز بستگی به نوع تنوع بخشی دارد برخی با خرید ۵ سهم و برخی با خرید ۱۵ سهم آن را به صفر می رسانند.

ریسک غیر سیستماتیک

ریسک سیستماتیک



۵ - ریسک سهام شاهد

در خصوص ریسک سهام شاهد و تناسب ریسک آن با بازدهی شرکت باید گفت ، طبیعی است که سهام شاهد نیز مانند تمامی شرکت های بورسی ریسک خود را دارد. ولی در مقایسه با بسیاری از شرکت های بورسی میزان ریسک آن بسیار پائین و کاملاً منطقی است و عبارت دیگر ، بازدهی شرکت بیشتر از میزان ریسک آن است. زیرا:

اولاً، شرکت شاهد یک سهامدار عمده قوی به نام مؤسسه اندوخته شاهد دارد که به نمایندگی از بنیاد شهید جهت حفظ منافع فرزندان معزز شهداء ، از سهم حمایت می کند و از نوسانات شدید و بخصوص کاهش شدید قیمت سهام و ورود ضرر شدید به سهامداران جلوگیری می کند.

ثانياً ، همانطور که بعداً نیز اشاره خواهد شد شرکت شاهد در چند سال اخیر، از طرفی عمده سرمایه خود را در بخش مسکن و املاک متمرکز نموده که در کشور ما حتی بدون انجام هیچ گونه عملیاتی ، بازده بسیار بالایی دارد و در مقابل از ریسک نزدیک به صفر برخوردار است و از طرف دیگر سرمایه گذاری های غیر املاک خود را نیز در یک بخش متمرکز ننموده و با رعایت اصول سرمایه گذاری آنرا در بخش های مختلف و عمدتاً مطمئن ، از جمله بازرگانی ، نفت ، پالایشگاه ، نیروگاه ، شرکت های بورسی و غیر بورسی و... سرمایه گذاری نموده است و بدین ترتیب درصد ریسک (ریسک سیستماتیک) خود را بشدت کاهش داده است.

سود سهام

الف - نحوه تخصیص سود

بطور کل سود سهام شرکت ها سالانه محاسبه و پرداخت می گردد. بدین ترتیب که هر شخصی که در زمان برگزاری مجمع عمومی شرکت سهامدار شرکت باشد، سود به آن تعلق می گیرد و اگر حتی یکروز قبل از برگزاری مجمع نسبت به فروش سهام خود اقدام نماید، از سود کل سال محروم می شود. بالعکس حتی اگر یکروز قبل از برگزاری مجمع نسبت به خرید سهام اقدام نماید، هرچند کل سال سهامدار نبوده، سود تمام سال به وی پرداخت می شود.

البته در اینخصوص نکته ظریفی وجود دارد و آن این است که معمولاً در نزدیک مجامع قیمت سهام افزایش یافته و بعد از مجمع قیمت سهام بمیزان سود پرداختی کاهش میابد که این یک موضوع حتمی نیست و بارها دیده شده که قیمت سهام بعد از مجمع یا کاهش نیافته و یا حتی با افزایش قابل توجه نیز همراه شده است. بعنوان مثال پس از مجمع سال ۸۶ شرکت شاهد، قیمت سهام شاهد با اندک افزایشی نیز رو بر شد. در حالیکه در نزدیک مجمع نیز قیمت سهام افزایش یافته بود و همچنین در مجمع نیز سود مناسبی توزیع شده بود.

ب - سود هر سهم یا EPS :

هر شرکتی پس از فعالیت اقتصادی یکساله سودی را (کم یا زیاد) عاید سهامداران خود می کند که این سود (خالص) پس از کسر مالیات بطور مساوی به تعداد سهام شرکت تقسیم می گردد طبیعتاً هر چه تعداد سهام یک شخص بیشتر باشد به همان نسبت میزان سود آن نیز بیشتر خواهد بود که به این سود اصطلاحاً EPS می گویند. بعبارت ساده تر، EPS بیانگر سود خالص متعلق به هر سهم است و روش محاسبه آن بدین گونه است :

$$\text{سود پس از کسر مالیات سهامداران} = \frac{\text{سود هر سهم}}{\text{تعداد سهام عادی}}$$

نکته مهمی که درخصوص EPS مطرح است این است که شرکت ها در ابتدای هر سال مال، با استناد به دلایل و مستندات قوی، سود آن سال را پیش بینی می کنند که این پیش بینی اثر مستقیمی بر روی قیمت سهام آن شرکت می گذارد. بعبارت دیگر افزایش یا کاهش سود دهی هر شرکت نشانه رشد یا پس رفت آن است. لذا رشد شرکت منجر به ارزنده تر شدن سهام آن شرکت و در نتیجه افزایش قیمت سهام آن می شود و بالعکس توقف یا کاهش سود شرکت باعث کاهش قیمت آن می گردد که اصطلاحاً به این تغییر در پیش بینی سود < تعدیل > می گویند.

پیش بینی سود شرکت ها ممکن است در طول سال نیز با اتفاقاتی که در شرکت یا اقتصاد کشور روی می دهد، تغییر کرده و افزایش یا کاهش یابد (تعدیل مثبت یا منفی روی دهد). لذا در صورت تأیید مستندات ادعائی شرکت جهت تعدیل، از سوی سازمان بورس، مراتب رسماً توسط آن سازمان اعلام می گردد. بعنوان مثال در فروردین ۸۷ شرکت شاهد با توجه به اتفاقاتی که در شرکت افتاد، پیش بینی سود سال مالی ۸۶-۸۷ منتهی به ۸۷/۳/۳۱ خود را از ۳۷۰ ریال به ۷۸۱ ریال افزایش داد (تعدیل مثبت کم نظیر از جهت میزان افزایش) که منجر به افزایش قیمت سهام تا حدود ۵۰۰ ریال گردید که روند افزایش آن ادامه دارد. یا در خردادماه مدیرعامل شرکت شاهد سود سال مالی ۸۷-۸۸ شرکت شاهد را با تعدیل مثبت نسبت به سال قبل ۱۰۹۰ ریال اعلام نمود.

ج - سود تقسیمی هر سهم یا DPS :

طبق قانون تجارت شرکت ها می توانند قسمتی از سود متعلق به هر سهم را با مجوز مجمع عمومی ، جهت سرمایه گذاری های جدید و.. نزد خود نگهداشته و به سهامداران پرداخت نکنند که به سودی که به سهامداران پرداخت نمی شود ، سود انباشته و به سودی که بابت هر سهم به سهامداران پرداخت می شود DPS گفته می شود.

EPS: سود خالص هر سهم DPS: سود پرداختی به هر سهم سود انباشته: سود هر سهم که به سهامداران پرداخت نمی شود

$$\text{EPS} - \text{سود پرداختی به سهامدار} = \text{DPS} = \text{سود نباشته} - \text{EPS}$$

به عنوان مثال ، شرکت شاهد در سال مالی ۸۶-۸۵ ، ۳۴۰ ریال سود خالص هر سهم را اعلام نمود ولی در مجمع شرکت ۷۰٪ آن یعنی ۲۵۰ ریال بین سهامداران تقسیم گردید. همچنین برای مجمع سال مالی ۸۶-۸۷ که احتمالاً پایان مهرماه برگزار خواهد شد اعلام نموده که تصمیم دارد حدود ۵۰٪ از سود خالص خود را بین سهامداران توزیع نماید و مابقی را جهت طرح های سرمایه گذاری خود استفاده خواهد کرد.

البته در شرایط بحرانی بهترین سهم ، سهمی است که سود بالاتری را پرداخت می کند. زیرا اگر نگاه بلند مدت داشته باشیم و نخواهیم مثلاً ۶ ماه دیگر آن را بفروشیم و آن سهم هم سالی ۳۳٪ سود بدهد، ظرف ۳ سال به اصل سرمایه خود رسیده ایم ، حتی اگر بورس تعطیل شده باشد.

بعنوان مثال اگر قیمت سهم ۱۰۰۰ ریال باشد و سالی ۳۰۰۰ ریال سود بدهد حتی اگر قیمت سهم به ۵۰۰۰ ریال هم برسد به پول اولیه خود رسیده ایم.

د- زمان پرداخت سود:

طبق قانون تجارت شرکت ها حداکثر هشت ماه پس از برگزاری مجمع عمومی باید نسبت به پرداخت سود اقدام نمایند. لذا شرکت می تواند بلا فاصله بعد از برگزاری مجمع سود را بپردازد و می تواند پس از گذشت هشت ماه اقدام به پرداخت کند. ولی معمولاً در بورس عرف است که چند ماه پس از برگزاری مجمع، به ترتیب حروف الفبا یا از سهم های کمتر و طی زمان بندی که معمولاً تا پایان مهلت هشت ماه به طول می انجامد نسبت به پرداخت سود سهامداران اقدام می کنند. لازم بذکر است، از آنجا که معیار تخصیص و پرداخت سود ، صرفاً سهامدار بودن در زمان برگزاری مجمع عمومی شرکت می باشد ، لذا در صورت فروش سهام بعد از مجمع و قبل از پرداخت سود ، حق آن شخص برای دریافت سود در آینده ، محفوظ خواهد بود.

ه- لزوم برداشت سود

سود بعنوان طلب سهامدار نزد شرکت محسوب می شود و پس از برگزاری مجمع ، هیچ ارتباطی با سهام نخواهد داشت و هیچ سودی هم به آن تعلق نمی گیرد. لذا در صورتی که شرکت بزودی برنامه ای برای افزایش سرمایه از محل آورده نقدی ندارد ، ماندن سود نزد شرکت ، بدلیل تورم و پرداخت حداقل ۱۲٪ سود توسط بانکها برای سپرده های کوتاه مدت ، ضرر نیز محسوب می شود.

مفهوم P/E

نسبت P به E (P/E) یا همان نسبت قیمت به سود، یکی از ابزارهای قدیمی و عموماً پر استفاده به منظور ارزش گذاری سهام است. هر چند محاسبه P/E بسیار ساده است، اما تفسیر آن عملاً دشوار می نماید. در شرایط معینی این نسبت بسیار گویا و در زمان های دیگر کاملاً بی معنا جلوه می کند. از این رو، غالباً سرمایه گذاران این اصطلاح را نادرست به کار می گیرند و در تصمیماتشان بیش از حد لازم به آن وزن می دهند.

P/E چیست ؟

P/E نسبت PRICE (P یا قیمت سهم) به Earning per share (P/E یا سود هر سهم) است.

همان گونه که از نام آن پیداست، برای محاسبه P/E آخرین قیمت روز سهام یک شرکت به سود پیش بینی شده برای هر سهم آن تقسیم می شود.

$$P/E = \text{قیمت سهم} / \text{تقسیم بر سود هر سهم}$$

به لحاظ تاریخی در بورس اوراق بهادار تهران عموماً میانگین P/E در دامنه ۳/۲ تا ۱۳/۲ تجربه شده است. نوسان P/E در این دامنه عمدتاً بستگی به شرایط اقتصادی هر زمان دارد. در حال حاضر میانگین P/E کل شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران حدود ۷ می باشد. ولی P/E شرکت ها و صنایع مختلف در بورس، متفاوت است.

به لحاظ نظری، P/E یک سهم به ما می گوید که سرمایه گذاران چند ریال حاضرند به ازای هر ریال سود یک شرکت پرداخت نمایند. به همین جهت به آن ضریب سهام نیز می گویند. به عبارت دیگر اگر P/E یک سهم ۲۰ باشد بدین معنی است که سرمایه گذاران حاضرند ۲۰ ریال برای هر ریال از سود این سهم (که شرکت تولید می کند) پردازند.

اگر P/E شرکتی بالاتر از میانگین بازار یا صنعت باشد بدین معنی است که بازار در ماه ها یا سال های آینده انتظارات بزرگی از سهم این شرکت دارد. شرکتی با P/E بالا باید در آینده سودهای فزاینده ایجاد کند، در غیر اینصورت قیمت سهمش سقوط خواهد کرد. P/E شرکت ها باید در مقایسه با شرکت هائی که در همان صنعت قرار دارند مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد تا کمی یا زیادی آنها مشخص شود.

در پایان باید گفت که P/E همه چیز یا به عبارتی حرف آخر را درباره ارزش سهم نمی گوید، اما برای مقایسه شرکت های یک صنعت، کل بازار یا روند تاریخی P/E یک شرکت فایده مند است.

مفهوم NAV

NAV عبارت است قیمت و ارزش واقعی یک شرکت که با کسر ارزش کل دارایی ها از کل بدهی های شرکت بدست می آید. در ارزشیابی شرکت ها، NAV را از طریق تفاوت ارزش دفتری دارایی ها و بدهی ها محاسبه می کنند و برخی نیز (بخصوص در صندوق سرمایه گذاری مشترک)، NAV را از طریق کسر بدهی صندوق از ارزش روز کل پرتفوی بدست می آورند. توجه تحلیل گران مالی غالباً به محاسبه نوع دوم NAV است زیرا از این طریق سهام شرکت مربوطه نه بصورت دفتری بلکه بطور واقعی قیمت

گذاری می گردد. در واقع با تعیین NAV شرکت ارزش واقعی هر سهم آن شرکت مشخص می شود که اگر قیمت سهام پائین تر از ارزش واقعی هر سهم باشد، آن سهم ارزنده بوده و می توان آن را خرید چون باید قاندا به ارزش واقعی خود برسد. ولی اگر قیمت سهام بیشتر از ارزش واقعی آن باشد قیمت به اصطلاح حبابی و کاذب بوده و خرید آن سهم بسیار خطرناک است. زیرا قیمت آن کاهش خواهد یافت و به قیمت واقعی خود باید برسد. بنابراین تعیین NAV یک شرکت به ما کمک می کند که قیمت واقعی سهم را کشف کرده و براساس آن تصمیم به خرید سهام آن شرکت بگیریم.

در همین ارتباط به NAV شرکت شاهد اشاره می کنیم. در حال حاضر ارزش دفتری هر سهم شرکت شاهد ۱۷۲۰ ریال است. ارزش کل شرکت با توجه به قیمت سهام شاهد در تیرماه (ارزش روز) که حدود ۳۲۵۰ ریال می باشد، حدود ۲۳۵ میلیارد تومان است. درحالیکه بر اساس مصاحبه مدیرعامل شرکت شاهد با روزنامه دنیای اقتصاد، ارزش واقعی (NAV) سهام شاهد با نگاه انقباضی ۴۳۰ میلیارد تومان، یعنی هر سهم ۶۰۰۰ ریال است. لذا مشاهده می کنید با توجه به این نظر قیمت سهام شاهد تقریباً نصف ارزش واقعی آن است که در دراز مدت انتظار افزایش و حداقل رسیدن به حدود مبلغ مذکور کاملاً مورد انتظار است.

سهامداران بورس

سهامداران بورس به دو بخش تقسیم می شوند:

۱- نهادی، شرکتی یا حقوقی: که شامل شرکتهای سرمایه گذاری و بانکها، سهامداران عمده و بزرگ بورس است.

۲- انفرادی یا حقیقی: که اشخاص حقیقی هستند.

در حال حاضر عمده بورس در دست سهامداران حقوقی که اکثر هم دولتی هستند می باشد. معمولاً خرید و فروش گروه اخیر در دوری یا روی آوردن سهامداران حقیقی به سهامی خاص و کاهش یا افزایش قیمت آن سهم تاثیر غیر قابل انکاری داشته و از اهمیت ویژه ای برخوردار است چرا که چه از لحاظ حجم و چه از لحاظ بهره گیری از تحلیلهای قوی و کارشناسانه در جایگاه خاصی قرار دارند. در حال حاضر ۷۲ درصد از سهام شاهد متعلق به سهامداران حقوقی به شرح ذیل است و مابقی در دست سهامداران حقوقی است:

۶۰	۴۳۶,۱۲۶,۸۰۰	موسسه اندوخته شاهد
۴	۳۲,۵۸۵,۱۶۰	شرکت سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی نفت سهامی خاص
۳	۲۲,۸۵۹,۵۴۰	شرکت سرمایه گذاری سپه-سهامی عام-
۳	۲۶,۰۶۵,۶۰۰	شرکت سرمایه گذاری سبحان-سهامی خاص-
۱	۷,۳۰۲,۶۳۲	شرکت ذخیره شاهد
۱	۱۲,۷۸۹,۶۴۰	شرکت سهامی بیمه ایران

شاخصهای بورس

در بورس اوراق بهادار ایران ۲۶ شاخص وجود دارد که عبارتند از: ۱- شاخص کل ۲- شاخص صنعت (تولیدی) ۳- شاخص مالی (سرمایه گذاریها) ۴- شاخص ۲۳ نوع صنعت فعال در بورس

هر یک از این شاخص ها می توانند تحلیل خاص خود را داشته و بیانگر بازده آن بخش باشد.

نحوه محاسبه شاخص نیز بدین گونه است که ، روزی که می خواهند شاخص را شروع کنند ۱۰۰ را پایه شاخص قرار می دهند و نسبت به آن روز یا روزهای بعد را می سنجند مثلاً اگر در سال ۷۰ سهمی را خریده بودیم و شاخص نیز در آن زمان ۱۰۰ بوده و حال عدد شاخص ۱۰.۰۰۰ شده است بدین معناست که کل بورس ۱۰۰ برابر بازده داشته و سهم ما هم اگر تابع بازار بوده باشد باید ۱۰۰ برابر رشد کرده باشد.

لازم بذکر است ، شرکت شاهد بدلیل آنکه عمده سرمایه خود را در بخش املاک و مستغلات متمرکز نموده ، در گروه املاک و مستغلات بورس قرار گرفته است.

ارزش اسمی و معاملاتی سهام

ارزش اسمی سهم در مقابل ارزش معاملاتی مطرح می شود.

ارزش اسمی بیانگر سرمایه قانونی شرکت است و ارزش معاملات بازگو کننده مبلغی است که خریدار حاضر است بابت هر سهم آنپردازد و دارنده آن سهم حاضر به فروش آن است و در واقع تابعی است از عرضه و تقاضا.

ارزش اسمی در قدرت سودآوری و ارزش بازار تاثیری ندارد و در ایران صرفاً در مورد افزایش سرمایه از آن استفاده می شود.

افزایش سرمایه

الف - هدف از افزایش سرمایه

شرکت ها جهت اجرای برنامه های توسعه خود نیازمند نقدینگی هستند لذا با اعلام افزایش سرمایه قسمتی از این نقدینگی را تامین می کنند. (قسمتی از نقدینگی هم از طریق اخذ وام ، صدور اوراق مشارکت ، سود انباشته و.. تأمین می گردد).

ب- فایده افزایش سرمایه برای سهامداران

اکثر اشخاص غیر حرفه ای فکر می کنند که منظور از افزایش سرمایه ، افزایش سرمایه آنها به میزان درصد اعلام شده است . در حالیکه این فکر کاملاً اشتباه است. زیرا همانطور که در بالا اشاره شد منظور از افزایش سرمایه ، افزایش سرمایه شرکت است نه سهامداران. اما این بمعنای بی فایده بودن افزایش سرمایه برای سهامداران نیز ، نیست. بلکه از دو مجرا می تواند برای سهامداران هم منفعت داشته باشد :

۱- هدف از اعلام افزایش سرمایه ، انجام برنامه های توسعه ای جدید بمنظور افزایش سودآوری شرکت است . لذا با افزایش سرمایه ،

دردراز مدت سود شرکت و بدنبال آن سود سهامداران و سپس قیمت سهام شرکت افزایش یافته و در نتیجه این دارائی سهامداران است که افزوده می شود .

۱- تجربه نشان داده پس از اجرای افزایش سرمایه مسأله چسبندگی قیمتتها بوجود وی آید. یعنی از لحاظ روانی قیمت سهم تلاش می کند خود را به قیمت قبل از افزایش سرمایه نزدیک کند و یا حتی آن را لمس نماید. این موضوع در ۹۰٪ شرکت هایی که قیمت سهام آنها بالاست و میزان درصد افزایش سرمایه آنها پایین است دیده می شود و در واقع با این افزایش یا برگشت قیمت یک سهم سهامدار نیست که افزایش یافته بلکه دو سهم است که افزایش می یابد . لذا سود قابل توجه ای عاید سهامدار خواهد شد.

ج- نحوه اجرای افزایش سرمایه

مبلغ افزایش سرمایه در ایران برای تمام شرکتهای ۱۰۰۰ ریال است و میزان درصد آن نیز بستگی به نیاز شرکت ، تأیید مجمع عمومی فوق العاده و بورس دارد که می تواند ۵٪ تا ۵۰٪ هم باشد.

بعنوان مثال اگر هیئت مدیره شرکت تصمیم به افزایش سرمایه ۷۰٪ بگیرند و مجمع عمومی فوق العاده شرکت و سپس سازمان بورس اوراق بهادار با آن موافقت نمایند، شخصی که در زمان برگزاری مجمع عمومی فوق العاده ۱۰۰۰ سهم دارد ، می تواند ۷۰۰ سهم جدید ، بمبلغ ۱۰۰۰ ریال خریداری کند. نحوه پرداخت آن نیز به دو طریق می تواند باشد :

۱- تمام یا قسمتی از آن از محل سود انباشته پرداخت شود و سهامدار مبلغی پردازد و یا قسمتی از آن را پرداخت کند.
۲- از محل مطالبات یا آورده نقدی تمام یا قسمتی از آن پرداخت شود. یعنی از محل سودهایی که سهامدار از شرکت طلب دارد پرداخت شود و یا اینکه با صدور برگه حق تقدم توسط شرکت به سهامدار مهلت داده شود که ظرف دو ماه از اعلام افزایش سرمایه مبلغ تعیین شده را واریز نماید.

حال اگر سهامدار تمایل به خرید سهام حق تقدم نداشته باشد ، می تواند با فروش آن در بورس (که معمولاً ۱۰۰۰ ریال کمتر از قیمت هر سهم شرکت است) حق خود را به دیگری انتقال دهد . در صورتی که سهامدار هیچ یک از این اقدامات را انجام ندهد ، پس از پایان مهلت سهام وی فروخته خواهد شد و پس از کسر مالیات و کارمزد به حساب سهامدار منظور می گردد که البته بهتر است سهامدار نسبت به واریز حق تقدم اقدام نماید و از منافی که اشاره شد بهره مند شود.

د- نحوه تعیین قیمت بعد از افزایش سرمایه

آخرین مطلبی که درخصوص افزایش سرمایه می توان مطرح باشد نحوه تعیین قیمت سهم بعد از مجمع است که دو روش مرسوم است . یکی روش اشخاص حرفه ای و دیگری روش مردم عادی.

۱- روش اشخاص حرفه ای : قیمت حق تقدم - قیمت سهم قبل از مجمع = قیمت سهم بعد از مجمع

۲- روش اتخاذی از سوی مردم عادی این است که می گویند بر فرض مثال ، یک سهم در شرکت دارم به قیمت ۲۰۰۰ ریال ، حال افزایش سرمایه ۱۰٪ داده شده ، یک برگ حق تقدم می دهند که ۱۰۰۰ ریال واریز نمایم ، اکنون که واریز نمودم سرمایه گذاری من در شرکت بابت هر سهم ۳۰۰۰ ریال شده که با توجه به اینکه افزایش سرمایه ۱۰٪ بوده و هر سهم من دو سهم شده است. پس ۳۰۰۰ ریال تقسیم بر دو می شود ۱۵۰۰ ریال ، که قیمت هر سهم خواهد بود. البته اشخاص مبتدی بر این باورند که قیمت سهم با افزایش سرمایه ۱۰٪ میشود ۱۰۰۰ ریال که این کاملا اشتباه است و تنها در مورد سهام جایزه اینگونه می باشد و بطور خلاصه :

ثروت سهامدار قبل از افزایش سرمایه = ثروت سهامدار بعد از افزایش سرمایه

تعداد سهام قبل از افزایش سرمایه > تعداد سهام بعد از افزایش سرمایه

قیمت سهام قبل از افزایش سرمایه < قیمت سهام بعد از افزایش سرمایه

روشهای پرداخت سود

روشهای مختلفی برای پرداخت سود سهام وجود دارد که شرکت ها بنا به صلاحدید ممکن است هر یک از این روش ها را انتخاب نمایند :

۱- پرداخت نقدی : که اکثر شرکت ها این روش را انتخاب می کنند و از زمان برگزاری مجمع حداکثر طی ۸ ماه باید نسبت به پرداخت آن اقدام نمایند.

۲- تحویل دارایی : بجای پرداخت وجه نقد کالاهای تولیدی شرکت را بعنوان سود می پردازند که این روش کمتر استفاده می شود و در سالهای قبل تعداد معدودی از شرکت ها به دلیل مسائل خاص این روش را انتخاب نمودند.

۳- سهام جایزه : اگر شرکت تصمیم به افزایش سرمایه داشته باشد و سود نیز بخواهد بدهد ، سود را جهت افزایش سرمایه محاسبه و سهام جایزه می دهد. این روش از پرداخت نقدی خیلی بهتر است چرا که نیاز به گذشت ۸ ماه جهت دریافت سود نیست و بلافاصله پس از مجمع سود در پوشش سهام محاسبه و پرداخت می شود و از لحاظ روانی نیز قیمت سهام رشد مناسبی خواهد داشت.

سهام شناور

همانطور که قبلا اشاره شد ، سهامداران بورس به دو بخش حقیقی و حقوقی تقسیم می شوند که هر یک از این دو گروه ممکن است نسبتی از سهام شرکت های بورسی را در مالکیت داشته باشند. بر همین اساس ، به میزان سهمی که در اختیار اشخاص حقیقی است سهم شناور می گویند. که طبق قانون بورس ، حداقل ۲۰٪ از سهام شرکت های بورسی باید در دست سهامداران حقیقی باشد.

سهام شناور بالا یا پایین ، کدام یک مطمئن تر و بهتر است ؟

نمی توان هیچ یک را کاملا مطمئن دانست. ولی بطور کل شرکتی که سهام شناور آن پایین است احتمال سقوط و افزایش شدید و بطور کل نوسانات آن زیاد نیست و روند مطمئنی را طی می کند. زیرا سهامدار حقوقی برای جلوگیری از ضرر خود آن را کنترل می کند و با بروز کوچکترین مسئله ای تصمیم به خرید و فروش ناگهانی نمی گیرند بلکه بصورت بلند مدت و کارشناسانه به آن سهم نگاه می کند. البته باید مواظب بازارسازی و بازی آنها با قیمت سهام در جهت منافع خودشان هم بود.

بازارگردانی

بازارگردانان دو کار مهم انجام می دهند ، یکی آنکه ثانیه به ثانیه با ارائه پیشنهاد خرید و فروش بازار را روان می سازند و دیگر اینکه ، با کنترل سهم بر روی مبلغی مشخص ، مانع از نوسانات شدید قیمت می گردند.

در واقع بازارگردان وظیفه دارد ، اگر سهمی عرضه شد و خریداری نبود ، بخرد و اگر درخواست خریدی ارائه شد و کسی فروشنده نبود ، بفروشد که از میان همین خرید و فروشها سودهای هنگفتی عاید آنها می شود و اشخاص بسیار پولداری هستند. در کشورهای صنعتی هر شرکت دارای یک بازارگردان است ولی در ایران تنها ۱۴ سهم دارای بازارگردان هستند و شرایط خاصی برای بازارگردانی آنها حاکم است .

سهام شرکت شاهد بطور غیر رسمی توسط سهامدار عمده آن ، یعنی مؤسسه اندوخته شاهد بازارگردانی می شود . بدین ترتیب که مؤسسه بمنظور کنترل قیمت سهام شاهد ، در مواقع ضرور وارد شده واز نوسانات شدید که منافع کلی سهامداران را به مخاطره می اندازد، جلوگیری می کند . برای مثال در دو سال اخیر که وضعیت بورس متلاطم بوده است با خرید عرضه هائی که منجر به کاهش شدید قیمت سهام شاهد می گردیده ، از کاهش بی جهت قیمت سهام جلوگیری کرده است و درمواقعی که تقاضاها برای خرید افزایش می یافته ، با عرضه سهام به روانسازی معاملات کمک کرده است که درنتیجه این اقدامات منجر به این شده است که رتبه نقدشوندگی سهام شاهد درمیان ۴۵۰ شرکت بورسی ۲۴ می باشد.

حجم مبنا و درصد نوسان قیمت

از آنجا که عمده سهام شرکتها در مالکیت اشخاص حقوقی است و از طرفی بورس ایران نوپا و سهامداران غیرحرفه ای هستند ، لذا بمنظور جلوگیری از نوسانات شدید قیمت سهام و بازارسازی ، محدودیتهای معاملاتی اتخاذ شده است که به شرح هر یک می پردازیم :

۱- درصد نوسان : یک سهم حداکثر می تواند ۳٪ بالاتر یا پایین تر از قیمت بسته شدن روز معاملاتی قبل معامله شود . بعنوان مثال

اگر قیمت سهام در روز قبل ۴۰۰۰۰ ریال بسته شده باشد امروز حداکثر می تواند ۴۰۱۲۰ ریال و حداقل ۳۸۸۰ ریال معامله

گردد.

۲- حجم مبنا: با توجه به تعداد کل سهام توزیع شده شرکت، در هر روز باید حداقل تعداد مشخصی از سهام آن شرکت معامله شود تا ۳٪ مثبت یا منفی آن قطعی شده و بعنوان قیمت بسته شده آن روز تلقی شود. بعنوان مثال اگر تعداد سهام یک شرکت ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ باشد باید ۸۰/۰۰۰ سهم آن شرکت در آن روز با حداکثر قیمت منفی یا مثبت معامله شود تا بگوئیم در آن روز آن سهم با ۳٪ منفی یا مثبت بسته شده است (این بمعنای عدم امکان انجام معامله ای در آن روز تا حداکثر ۳٪ منفی یا مثبت نیست، بلکه صرفاً برای محاسبه قیمت بسته شدن آن روز جهت مبنا قرار گرفتن برای روز بعد استفاده می شود) حال اگر ۴۰۰۰۰ سهم آن شرکت کاملاً با ۲٪ مثبت یا منفی معامله شود صرفاً ۱٪ مثبت یا منفی برای قیمت نهائی منظور می شود.

هر چند هر روز معاملات تا ساعت ۱۳ انجام می شود ولی محاسبات برای مشخص نمودن قیمت بسته شده آن روز، حداکثر تا ساعت ۱۵/۳۰ بطول می انجامد.

اما فرمول محاسبه حجم مبنا نیز بدین ترتیب است:

$$\frac{20\% \times \text{تعداد سهام شرکت}}{250} = \text{تعداد سهام حجم مبنا}$$

در حال حاضر حجم مبنا شرکت شاهد، ۵۷۷۲۴۰ سهم است. بعبارت دیگر در یکروز باید حداقل ۵۷۷۲۴۰ سهم شرکت شاهد با حداکثر افزایش یا کاهش ۳٪ قیمت معامله شود تا قیمت بسته شده آن روز آن مبلغ ثبت گردد

تنوع بخشی یا پرتفولیو

تنوع بخشی پرتفوی مهمترین روش هموار کردن سرمایه گذاری است که این تنوع بخشی ریسک را کاهش می دهد و در واقع تکنیک مدیریت ریسک است و هدف آن هم حداقل کردن اثر یک اوراق بهادار بر کل عملکرد پرتفوی می باشد. فرض کنید جزیره ای وجود دارد که فقط دو شرکت تولید کننده دارد:

شرکت الف: تولید کننده چتر

شرکت ب: تولید کننده عینک آفتابی

اگر ما تمام سرمایه را در شرکت الف بگذاریم در بارندگی بسیار سود خواهیم کرد و بالعکس و اگر تمام سرمایه را در شرکت ب بگذاریم در بارندگی عملکرد منفی خواهیم داشت و بالعکس. لذا باید نیمی را در الف و نیمی را در ب بگذاریم تا در تمام فصول عملکرد معقولی داشته باشیم. در واقع پرتفولیو یعنی سهام هایی را که می خریم از لحاظ ریسک و بازده کاملاً متفاوت و رابطه معکوس با هم داشته باشند یا اگر رابطه باهم دارند نسبتش کم باشد والا اگر از یک نوع باشند، می شود چند سهمی، نه پرتفولیو.

بنابراین برای پرتفولیو کردن ما باید ارتباط صنایع را باهم بدانیم و بدانیم که:

- بازار طلا با بازار سهام رابطه معکوس دارد چرا که اگر مردم از بابت جنگ نگران شوند سهام را می فروشند و طلا می خرند.
- بازار طلا با بازار ارز رابطه مستقیم دارد، لذا با بازار سهام رابطه معکوس دارد.

سرمایه گذاری سنگین مدیریتش با سرمایه گذاری کم خیلی فرق دارد. سرمایه گذاری در یک سهام تا ۵۰ میلیون مثل رانندگی با پژو می ماند و بالاتر از آن مثل رانندگی با تریلی که باید در ترمز گرفتن هم احتیاط کنید ، چرا که با پول کم سریع می توان دستور فروش داد ولی با پول زیاد خیلی طول می کشد تا تمام درخواست فروخته شود. بعنوان مثال اگر ۱۰ روز طول بکشد و هر روز ۳٪ منفی بخورد می شود ۲۰٪ ضرر.

در پایان باید بگوئیم که هرچند پرتفولیو کردن خوب است ولی بستگی به میزان سرمایه گذاری که ما می کنیم نیز دارد . یعنی اگر پنج میلیون تومان پول داریم و حرفه ای بورس نیز نیستیم ، تقسیم سرمایه بین چند سهم و بخش اقتصادی مختلف ، جز دردسر و هزینه فایده دیگری را به همراه نخواهد داشت.

میانگین کردن قیمت

دشوارترین نقطه فعالیت سرمایه گذاری ، انتخاب زمان صحیح خرید و فروش و عبارت دیگر تعیین قیمت کف و سقف سهام است. سرمایه گذار باید برای خرید و فروش سهام خود یک استراتژی کلی و جزئی داشته باشد. یعنی غیر از آنکه بداند چه سهمی را بخرد ، باید بداند به چه قیمتی بخرد و بفروشد. قبل از خرید یک سهم باید قیمت مناسب برای خرید و قیمت مناسب برای سودگیری و نقطه ضرر را تعیین کنیم. بدانیم به چه قیمتی رسید بخریم ، به چه قیمتی رسید سود بگیریم و خارج شویم و به چه قیمتی رسید از خیر آن سهم بگذریم و مانع ضرر بیشتر شویم.

بنابر آنچه عنوان شد میانگین کردن بهاء یعنی :

- ۱- فرآیند خرید مبلغی معین از یک سهم طبق یک جدول زمانی
- ۲- خرید بیشتر وقتی قیمتها پایین هستند
- ۳- خرید کمتر وقتی قیمتها بالا هستند
- ۴- سبب متوسط شدن بهای هر سهم می شود
- ۵- منجر به کاهش ریسک سرمایه گذاری می گردد
- ۶- یک روش سرمایه گذاری منظم است
- ۷- در بازار کساد از زیان جلوگیری می کند
- ۸- ابزار بهره گیری از رشد در بلند مدت است

مدت سرمایه گذاری

در زمانی که ما یک سرمایه گذاری انجام می دهیم یک زمان ورود و یک زمان خروج را مشخص می کنیم که این دوره سرمایه گذاری ما ممکن است کوتاه مدت (چند هفته) ، میان مدت (تا یکسال) یا بلند مدت (بیش از یکسال) باشد و براساس همین استراتژی باید در شرکت هائی که ما را در این فاصله زمانی به سود میرساند سرمایه گذاری کنیم .

معمولا شرکت هائی که در کوتاه مدت ما را به سود می رسانند ، ریسک آنها بالا و نوسانات قیمت آنها زیاد است و دائما باید رصد نمود که چه روزی ممکن است قیمت برگردد و از آن خارج شویم. لذا غالبا اشخاص حرفه ای رو به سرمایه گذاری کوتاه مدت و حتی میان مدت می آورند و ضمن قبول ریسک ، بدلیل تخصصی که دارند ، معمولا سود خوبی نیز بدست می آورند. ولی سرمایه گذاری بلند مدت توسط اشخاصی که نمی توانند دائم وضعیت شرکت هارا رصد نمایند و در شرکت هائی که روند مثبت و دورنمای مطمئن و درعین حال با بازده مناسب دارند ، انجام می گیرد.

در سرمایه گذاری بلند مدت طبیعی است که سرمایه گذار بدلیل دید بلند خود و اطمینان از آینده مناسب شرکت تحت تأثیر نوسانات (افزایش و کاهش) مقطعی قیمت سهام قرار نمی گیرد و منتظر رسیدن به آن نقطه مطلوب می شود. جالب است به این نکته نیز اشاره کنیم که حتی اشخاص حرفه ای بورس نیز به جهت ایجاد یک پشتوانه مطمئن ، بخشی از دارائی خود را در این شرکت ها سرمایه گذاری می کنند تا از حاشیه سود مطمئنی برخوردار گردند.

روند قیمت سهام

آنچه برای روند قیمت سهام شاهد در بلند مدت و حتی در میان مدت می توان ترسیم کرد این است که بدلیل فاصله قیمت فعلی با قیمت واقعی سهم و حمایتی که از سهم انجام می گیرد ، روند قیمت سهام کاملا مثبت است و حرکت آن آهسته و پیوسته ولی رو به بالا می باشد. مسلما این بدان معنی نیست که قیمت سهام کاهش نمی یابد ، بلکه مفهوم آن این است که کاهش مقطعی بوده و بیشتر از میزان کاهش در طی زمان مشخص افزایش می یابد.

دلایل بسته شدن نماد شرکت ها در بورس

معمولا زمانی که اتفاق اقتصادی در شرکت ها واقع می شود ، تا زمان شفاف شدن آن و اعلام رسمی آن از سوی سازمان بورس ، نماد شرکت متوقف می شود تا سهامداران با اطلاع مناسب از آن اتفاق ، درخصوص حفظ سهام ، و قیمت مناسب برای فروش و متقاضیان خرید ، درخصوص قیمت مناسب برای خرید و ارزشگذاری آن سهم تصمیم گیری نمایند. معمولا نماد شرکت ها با برگزاری مجامع ، تعدیل مثبت یا منفی EPS ، ارائه گزارش خاص به بورس و... تا زمان قرارداد نتیجه آن در سایت بورس ، متوقف می گردد.

عملکرد و بازدهی شرکت شاهد در یک نگاه

اگر بخواهیم بطور کلی و مختصر وضعیت بازدهی شرکت شاهد از بدو تأسیس تاکنون را مورد ارزیابی قرار دهیم ، باید بگوئیم که شرکت شاهد مانند تمامی فعالیتهای اقتصادی فراز و نشیبهای را تجربه نموده است. ولی آنچه مهم است ، این است که همواره روند کلی حرکتی شرکت شاهد صعودی و افزایشی بوده است که در بعضی مقاطع مانند سال های ۷۸-۷۹ با مشکلاتی جدی روبرو گردید و در عوض در سال های ۸۳-۸۴ دارائی سهامداران در شرکت ۲۳۶٪ افزایش را تجربه کرد و در بعضی مقاطع مثل یکسال اخیر نیز ، حدود ۳۸٪ بازدهی را برای سهامداران بدنبال داشته و بطور کل طی ۱۰ سال اخیر به طور متوسط هر سال ۳۷.۵ درصد بازدهی داشته است.